

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ا.م. شیری

۳۱ جنوری ۲۰۲۳

تروریسم، لمپنیزم و... بمثابه سیاست رسمی دولت‌های غربی



منشا تصویر

همانطور که رسانه‌های متعدد گزارشات دادند، پارلمان اتحادیه اروپا با تصویب قطعنامه‌ای در ۲۹ دی ماه- جدی-، از کشورهای عضو این اتحادیه درخواست کرد تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهند.

در این رابطه، به نظر می‌رسد ابتداء باید مفاهیم و تعاریف یکسری واژه‌ها و کلمات به طور اجمالی مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد تا با تطبیق مصادیق آن‌ها، خصوصیات طرف مدعی معلوم شود.

آن واژه‌ها و کلماتی که می‌توانند در روشن شدن واقعیت‌ها تأثیر تعیین‌کننده داشته باشند، از نظر نگارنده این‌ها هستند: تروریسم، لمپنیزم، قلدری، راهزنی، جعل و دروغ، گردن‌کلفتی و بی‌تردید، باز هم تعدادی معانی مترادف دیگر. – تروریسم: قتل، کشتار، هراس‌افکنی، ارباب‌گری، دهشت‌آفرینی با توسل به خشونت برای دستیابی به هدف تعیین شده؛

– لمپنیزم: فقدان فهم و شعور، نبود قدرت درک، جهالت، نادانی، لااوبالی‌گری، شرارت و ...؛
– قلدری: اتکاء به زور و زورگویی، سوءاستفاده از قدرت، بی‌رحمی و بسیاری معانی مترادف؛
– راهزنی: غارتگری، یاغی‌گری، دزدی و سرقت.

و حالا مختصر توضیحات:

جوزف گوبلز، وزیر تبلیغات رژیم نازی المان می‌گفت، یک رسانه به من بدهید از یک ملت یک گله خوک درست می‌کنم.

غرب جمعی (امریکا و مستعمرات اروپائی آن) به حساب غارت جهان، که کل فضای رسانه‌ئی جهان را کنترل می‌کند، تنها کاری که می‌کند، تحریف واقعیت‌های تاریخی دیروز و امروز جهان است تا چنگال جنائی خود را همچنان بر گلوئی بشر بفشارد.

یک لحظه تأمل کنید آنچه که بعد از شروع دوره استعمار در اوایل قرن شانزدهم (۱۵۰۳ م.) تا امروز، به خصوص غرب جمعی بر سر بشریت ساکن سیاره زمین آورده، در تصور نابغه‌ترین انسان نمی‌گنجد. کل صفحات تاریخ این دوره مملو از قتل‌های عام و نسل‌کشی‌های هولناک، تاراجگری و یغماگری، شرارت، قلدری است.

گفته می‌شد در مستعمرات انگلیس آفتاب غروب نمی‌کند. تمامی ممالک اروپائی از کوچک تا بزرگ، از هالند کوچولو تا بریتانیای به اصطلاح کبیر، از راه قتل‌عام و نسل‌کشی، قلدری، شرارت و تروریسم دولتی خلق‌های چهارگوشه جهان را کشتار کردند، سرزمین‌هایشان را تصرف نمودند و ثروت‌های آن‌ها را تاراج کردند؛ ثروت اندوختند؛ رسانه ساختند؛ یک امپراتوری عظیم جعل و دروغ تشکیل دادند و به واسطه آن از جمعیت‌های تحت مدیریت خود گله‌های خوک درست کردند؛ مغزها را به میدان نبرد تبدیل نمودند؛ جنگ شناختی راه انداختند؛ گروه‌های مزدور و ستون پنجم تشکیل دادند، تمام زشتی‌ها را زیبا جلوه دادند؛ و معانی و مفاهیم واژه‌هایی مانند دموکراسی و حقوق بشر را بکلی تحریف و مسخ نمودند و آن‌ها را به ابزار مداخلات، جنگ‌ها و تجاوزات استعماری- امپریالیستی تبدیل کردند.

برده‌داران و فنودال‌های اروپا خاک امریکای شمالی را تصرف کردند و با نسل‌کشی جمعیت بومی آن، کشورهای ایالات متحده امریکا و کانادا را در خاک بیگانه تشکیل دادند؛ تمام امریکای مرکزی و جنوبی را به آزمایشگاه انواع جرایم و جنایات سازمانیافته خود تبدیل کردند؛ کل جمعیت بومی قاره پنجم- استرالیا و همچنین، زلاندنو را قتل‌عام نمودند و انگلیسی کردند؛ ایالات متحده امریکا تمام تاریخ موجودیت خود را به جنگ و تجاوز، کشتارهای جمعی گذرانده است و تا کنون نخستین کشوری است که سلاح اتمی علیه بشر به کار برده است.

غرب جمعی در چین جنگ تریاک راه انداخت. کامبوج، لائوس، کوریا و ویتنام را در آتش جنگ سوزاند؛ میلیون‌ها انسان آن‌ها را به خاک و خون کشید؛ هندوستان بزرگ را به انقیاد درآورد؛ کل افریقای سیاه را به سیاهی و تباهی گرفتار کرد؛ فرهنگ و ادبیات، زبان و اخلاق کل قاره را به لجن‌های استعماری غرب آلوده ساخت.

جهانی‌سازان غربی تحت پوشش مبارزه با «دیکتاتورها»، «گسترش دموکراسی و حقوق بشر»، کشورهای را یکی بعد از دیگری دچار هرج و مرج و ویرانی نمودند؛ ثروت‌هایشان را به یغما بردند؛ ملت و خلق‌های دوست، برادر و همسایه را به جان هم انداختند؛ به جای صلح، امنیت، آرامش، دوستی، برادری، بین خلق‌ها و ملت‌ها تخم کین کاشتند؛ در ده‌ها کشور جهان کودتاهای ضد دولتی، انقلاب‌های رنگی- ضد ملی انجام دادند.

جنون غرب جمعی در شرایط به اصطلاح جهان تک قطبی در چند دهه اخیر تا درجه مایخولیائی عود کرد. مثله کردن اتحاد شوروی از راه انقلاب رنگی، لت و پار نمودن یوگسلاوی در زیر بمباران‌های ددمنشانه ناتو، هجوم دیوانه‌وار به افغانستان، عراق، لیبیا و... و کشتار بی‌امان شمار کثیری از جمعیت آن‌ها و همچنین، جنگ و کشتارهای ادامه‌دار در سوریه و یمن، ترور و کشتار روزمره جمعیت فلسطین، ترور انسان‌های بی‌دفاع پاکستان، افغانستان همه و همه محصول سیاست‌های مبتنی بر تروریسم و لمپنیسم، قلدری و شرارت غرب هستند.

مگر می‌شود ترور انسان‌های بی‌دفاع پاکستان، افغانستان، یمن و غیره به واسطه پهبادهای امریکائی، ترور رهبران و مقامات بلندپایه کشورهای مختلف، از جمله، پاتریس لومومبا، سالوادور آلنده، موریس بیشاب، عمر توریکوس، سرهنگ معمر قذافی، سرداران ابومهدی المهندس، قاسم سلیمانی را فراموش کرد.

جنگ، تحریم و محاصره اقتصادی، آشکارترین انواع تروریسم دولتی هستند. غرب جمعی مقصر و مسبب، آغازگر و مسؤول تمامی جنگ‌ها، از جنگ‌های صلیبی تا دو جنگ عالمگیر و در ادامه و به همین ترتیب، جنگ‌های مرئی و نامرئی و ترکیبی در هر نقطه جهان که موجب ویرانی و عقب‌ماندگی اغلب کشورهای به اصطلاح جنوب جهانی و مرگ و نابودی چندین صد میلیون نفر انسان، از جمله، قریب نیمی از جمعیت ایران در سال‌های جنگ جهانی اول گردید، بوده و هست.

تحریم به مثابه یکی از آشکارترین شکل تروریسم دولتی است، که جهانی‌سازان غرب جمعی به طور مستمر برای تنبیه کشورهای «نافرمان» اعمال می‌کنند، ثروت و دارائی‌هایشان را غصب، مصادره و به یغما می‌برند. اکنون بیش از ۶۰ سال است که جمهوری سوسیالیستی کوبا- این جزیره آزادی را همچو قلعه محاصره کرده‌اند. کودکان یمی در اثر تحریم غذا و دارو و همچنین، در زیر بمباران‌های روزانه کشته می‌شوند. کشتار بیش از نیم میلیون کودک عراقی در اثر تحریم و محاصره اقتصادی (نفت در برابر غذا) یکی از نمونه‌های بارز این نوع تروریسم دولتی، تروریسمی که مادلان اولیبرایت، وزیر خارجه سابق امپریالیسم امریکا با صراحت و وقاحت آشکار از آن دفاع کرد.

البته، واضح است که نگارنده قصد ندارد تمام جرایم و جنایات غرب جمعی را با جزئیات در یک یادداشت مختصر شرح دهد. بنابراین، تا همین قدر، به مصداق «اگر در خانه کس است، یک حرف بس است»، کافی دانسته، یادداشت خود را با طرح چند پرسش بر اساس مجمل فوق ادامه می‌دهد:

- آیا غرب جمعی به لحاظ سیاسی و اخلاقی به طور کلی حق دارد از دموکراسی و حقوق انسان حتی سخن به میان آورد؟

- آیا تردیدی در این مدعا هست که اشکال مختلف تروریسم، لمپنیسم، شرارت، قلدری، یغماگری، سرقت، راهزنی، قتل‌عام، نسل‌کشی، جعل‌کاری و دروغ‌سازی عناصر تعریف‌کننده ماهیت و خصلت ذاتی غرب جمعی است؟

- آیا انکار این واقعیت آشکار ممکن است که غرب زادگاه فاشیسم، نازیسم، نژادپرستی و صهیونیسم است؟

- آیا کمترین نشانه‌ای از خرد و عقلانیت در عملکردها و سیاست‌های داخلی و خارجی دول غربی به چشم می‌خورد؟ دیگران را نمی‌دانم، اما به نظر نگارنده این یادداشت، پاسخ همه پرسش‌های فوق «نه!» است. یک «نه» بسیار بزرگ و پر رنگ!

و با توجه به پاسخ سوالات بالا، می‌توان به این نتیجه‌گیری منطقی رسید که نه تنها پارلمان اروپا، حتی کلیه رژیم‌های زورگوی غربی به رهبری ایالات متحده امریکا نیز با دارا بودن خصایل فوق‌الاشاره و تاریخ به طور کلی سیاه و سر به سر جرم و جنایت، نه فقط از منظر حقوق بین‌الملل، بلکه، از منظر اخلاقی نیز حق ندارند و نمی‌توانند نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی-یکی از ساختارهای مهم نیروهای دفاعی ایران- نخستین کشور قربانی استعمار در جهان و یکی از اولین قربانیان کودتا و تروریسم را در لیست سازمان‌های تروریستی خودساخته قرار دهند.

مطالب مرتبط:

- [ایالات متحده آمریکا تروریست اصلی جهان](#)

- [ترور بمثابه ابزار «نظم جدید جهانی»](#)

- [تروریسم چیست؟ تروریست کیست؟](#)

- [قدمت راه اشک](#)

- [تروریسم و امپریالیسم](#)

۱۰ بهمن-دلو ۱۴۰